

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

◇ یادداشت سردبیر

در جریان دادوستد و نقل و انتقال اطلاعات در یک جامعه، خواه در مقیاس خرد باشد یا کلان، سه مرحله اجتناب‌ناپذیر می‌نماید: "اطلاع‌باوری"، "اطلاع‌پویی"، و "اطلاع‌یابی". این سه مرحله دارای توالی و ترتیب منطقی و اجرایی است، یعنی حضور یکی شرط مقدماتی ظهور دیگری است. نفس این ترتیب و توالی منطقی به این نتیجه‌گیری می‌انجامد که نخستین مرحله، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، مبنای شکل‌گیری مراحل بعدی است. به عبارت دیگر "اطلاع‌باوری" نقش و هویتی ویژه دارد و سرنوشت مراحل بعدی را رقم می‌زند.

"اطلاع‌باوری" اعتقاد باطنی به اهمیت اطلاعات در کلیه سیاست‌گذاریها، برنامه‌ریزیها، و ارزیابیها در همه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، علمی، و فرهنگی است. باور داشتن جز با ملکه شدن در ذهن فرد و جامعه پدید نمی‌آید، و هر گاه چنین شد به عنصر جدایی‌ناپذیر حیات فردی و اجتماعی تبدیل خواهد گشت. مگر نه آن است که خمیرمایه همه نهضت‌ها و انقلابها و حرکت‌های اثر گذار و پایای تاریخ "باور"ها و اعتقادها بوده است. بدون باور داشتن چگونه می‌توان تا سر حد شهادت جنگید، ستیز کرد، یا به مقابله برخاست؟ شهیدان عرصه‌های دین و سیاست و فرهنگ و علم، در واقع شهدای باور خویشانند. تعلق باطنی به یک آرمان، اندیشه، رویداد، یا پدیده، نیرومندترین قوه محرکه برای فعلیت بخشیدن به علقه‌هاست.

فرق است میان "اطلاع‌باوری" و باور نمایی نسبت به اطلاعات. اولی بدون هياهو و در مسیر شناخت و دستیابی روی می‌دهد و همچون خورد و خوراک روزانه به صورت امری طبیعی جریان می‌یابد؛ و دومی که وانمود "باور" داشتن است آمیخته با جنجال و تبلیغ و لعابکاری و فرصت‌طلبی است. بدیهی است که نوع دوم هرگز به مراحل "اطلاع‌پویی" و "اطلاع‌یابی" نخواهد انجامید، زیرا اشکال مبنایی دارد.

وقتی سخن از عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی به میان می‌آید، نوعی پیش‌فرض مقدر را باید در آن جست‌وجو کرد. اگر جمع و جماعت و جامعه‌ای شرط مقدماتی "اطلاع‌باوری" را

احراز نکرده باشد نمی‌تواند مدعی باشد که عصر اطلاعات را درک کرده است یا در جامعه اطلاعاتی زیست می‌کند. عصر اطلاعات عصر باور اطلاعات است و جامعه اطلاعاتی به اجتناب‌ناپذیر بودن اطلاعات اعتقاد دارد. نگرش ما به اطلاعات است که روشن می‌کند آیا ما در چنین عصر و جامعه‌ای زندگی می‌کنیم یا با آن منزلها فاصله داریم.

مبنای شکل‌گیری عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی "اطلاع‌باوری" است. اگر می‌خواهیم زمان و مکان حیات علمی و فرهنگی خود را ارزیابی کنیم باید میزان و چگونگی اعتقاد خود به ضرورت اطلاعات را محک بزینیم. علت‌یابی ضعف اطلاع‌پویی و اطلاع‌یابی را اگر به خود این دو جریان محدود کنیم، به پاسخی مطلوب نخواهیم رسید. آن دو جریانهای روبنایی هستند و خود ریشه در مقدماتی دیگر دارند.

اطلاع‌باوری یک‌شبه پدید نمی‌آید. باید نهادینه شود و به صورت سنت درآید. مثل هر باور و اعتقاد دیگر باید از خردسالی و در محیط خانواده پدید آید و در مدرسه و دانشگاه و محل کار تقویت شود و استمرار پیدا کند. راه و رسم استقرار و استمرار چنین باوری باید در فرهنگ روابط اعضای خانواده، ارتباط میان معلم و شاگرد، و دادوستد میان استاد و کارآموز آموخته و آموزنده شود.

چند تن از ما تاکنون فرزند خردسال خود را برای یافتن پاسخ سؤالش به منبعی راهنمایی کرده‌ایم؟ چند تن از معلمان ما دانش‌آموزان کنجکاو را به سوی منابع اطلاعاتی سوق داده‌اند؟ چند نفر از ما در ارائه آمارهای سازمانی خود به جای ارائه اطلاعات درست، به عرضه آمارهایی که رؤسا و کارفرمایان را خوش می‌آید نپرداخته‌ایم؟ چند تن از ما اگر پاسخی را شفاهاً به فرزند، دانش‌آموز، یا دانشجوی خود داده‌ایم، به او گفته‌ایم که سند این گفته‌ها چیست؟ طبیعی است که پاسخگویی بدین گونه برای مخاطبی که تنها شنونده و دریافت‌کننده است و از مآخذ داشتن یا نداشتن گفته‌ها مطمئن نیست می‌توان درباره هر مطلبی سخن گفت و نیازی به پشتوانه اطلاعاتی ندارد. از کودکی می‌آموزد که چیزی به نام اطلاعات وجود ندارد و اگر دارد دارای نقشی حاشیه‌ای و بی‌اهمیت است. در بزرگسالی نیز برای برنامه‌ریزیهای خود نیازی به اطلاعات احساس نمی‌کند. چون از کودکی آموخته است که می‌توان بدون اطلاعات هم برنامه‌ریزی کرد. دستاورد برنامه‌ریزیهایی از این نوع - خواه خرد باشد یا کلان - پیشاپیش قابل حدس است.

طبیعی است که با چنین آموزه‌هایی سخن از "اطلاع‌پویی" و "اطلاع‌یابی"، عصر اطلاعات، و جامعه اطلاعاتی تنها تقلیدی از نوع تقلیدهای آدابی و رفتاری است تا خود را با جوامع مدعی دیگر سازگار کنیم، و با این نان به نرخ روز خوردن، خود را با قافله‌ای که قدیس ماست همراه و همکاروان بنمایانیم.